

وسایل و راهبائیگه آرمانهای خلقهای ستمیدید افغانستان

و مرام دموکراتیک خلق را به پیروزی میرساند

- ۱ -

چرا جریان دموکراتیک خلق اقدام به تاسیس جریده خلق برای سراسر افغانستان کرد؟

پیشاهنگان ترقیخواه و وطنپرست افغانستان برای نخستین بار در سیر تاریخ مبارزات ملی قطب نمای صحیح - یعنی مرامنامه خلق دموکراتیک خلق را برای نجات طبقات ستمدیده کشور بخصوص کارگران، دهقانان زحمتکش و منورین مترقی تنظیم و اعلان کرد. اساس چون صخره مستحکم این مرام همانا عبارت است از تیوری جهان بینی علمی که تجربه تاریخ حقیقت شکست ناپذیر آنرا تأیید کرده است.

آرمانهای مرام دموکراتیک خلق آمال درخشان تمام طبقات زحمتکش افغانستان را درین مرحله تاریخی بیان میکند. «مرام» در همان بد و امر از طرف اکثر محافل صدیق مترقی و نیروهای وطنپرست و دموکراتیک جامعه با شور و شوق کامل تحسین شد و مردم ستمکش کشور با اشتیاق فراوان از آن حسن استقبال کردند. «مرام» به آن عناصر و محافل بد بین و مرتجع که روشنی جهان، ضرورت و جبر پیشرفت و نفوذ جریانات نوین و مترقی جهان را از عقب عینک سیاه منافع طبقه حاکمه، خودخواهی فیودالی، خصوصیت استعماری جزمیت و انجماد مینگرند جواب منطقی و محکم داد. مرام ثابت کرد که محافل سیاسی حاکمه و طبقه ایکه با نشر مرام دموکراتیک خلق منافع خود را در خطر می بینند، دیگر قادر نیستند که برسم کهن و ارتجاعی و استبدادی دوران اختناق - اذهان مردم را در برابر جریانات پیشرو تاریخ منحرف و مشوب گردانند.

در شرایط معاصر بنا بر تغییر اساسی در تناسب قوای بین المللی و نفوذ روزافزون جهان بینی علمی و شرایط مساعد ملی به نیروهای ترقیخواه دموکراتیک ملت افغانستان که تاکنون در تحت فشار و ظلم «پاشنه آهنین» طبقات حاکمه ستمگر داخلی و تأثیر استعمار امپریالیستی حیات بسر میبرند امکان داده است که مبنی بر تدوین تیوری دیک (نظری) و برتیک (عملی) بموقع مسایل، در وضع کنونی از شکل مبارزه مسالمت آمیز علمی، قانونی، پارلمانی و خلقی استفاده

اصولی بنمایند و جنبش دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی را به پیروزی نهایی برسانند و شعور طبقاتی توده های زحمتکش مردم را احیا نمایند و روحیه سازمانی را در طبقه پیشرو و نوین تساریب ایجاد کنند.

به پیروی از این اصول علمی و تحلیل اوضاع و شرایط مشخص عینی و ذهنی، ملی و بین المللی افغانستان، و همچنان با استفاده از ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی محافل و نیروهای جریان دموکراتیک خلق از سه سال بدین طرف اقدام به تهیه مقدمات سازمان کرد که جریده خلق «س ۳»



سال تاسیس ۱۳۴۵

ناشر افکار دموکراتیک خلق

شماره ۳ - دو شنبه ۵ ثور ۱۳۴۵ هـ ش - ۲۵ اپریل ۱۹۶۶ ع

یوه بله از موینه

د افغانستان ملت تل دخپل ملی حاکمیت د حق اوسیاسی خپلو اکی دساتلو د پاره د امپریالیستانو د مستقیمو یر غلوانو په مقابل کښی کلک او زړد رومقا و متونه کړی او غو غو محلی می دغو مستقیم استعماری بلانونه شنو کړی دی . خو باید به خواشینۍ سره وایو چه دلته د امپریالیستانو د غیر مستقیمو د سیسو د شنوولو او د غو د بی اثر کولو د پاره خرنگه چه لازم وی به زده پوری کارونه، تدی شوی . دا صحیح ده چه امپریالیستان به جسمی تو که زمونږ له هیواد مخه و و تل خو تل می د خپلو نو و استعماری گتو د ساتلو د پاره سترگی دی پلوتو کړی

او کوم وخت چه محرومو او زیاراوستونکو طبقو دخپل اقتصادی اوسیاسی وضعیت دینه کولو او وینگو لود پاره به کوښښو پیل کړی دی دوی به پتو او مستقیم ډول د فیودالانو او عینو خپلو مزدورانو په واسطه د دغو کوښښو مخه نیولی ده او په داخل کښی می د ډول، ډول خپ پرتیا و او بی نظمیو دراپیدا کولو په اثر زمونږ د ملی ژونده و د شاته غور محولی ده .

مثلا د اعلیحضرت امان الله په وخت کښی د تولیدی قوا و د دوی په اثر د دهقانانو او فیودالانو تر منځ تضاد شدت وموند او دهقانی جنبشونه مینځ ته راغلل . دهغه وخت د حاکمو طبقو دولت تصمیم ونیو چه د دغه تضاد د تضعیف د پاره دهقانانو او غو نورو تر ستم لاندی قشر و نو په گټه خو قد مونو او چت کړی

خود انگریز امپریالیست د داخلی مر تجمینو په مرسته دهغه وخت د اصلاحاتو پر لار ښوونکو د «کفر» حکم وکړی او اعلیحضرت امان الله می چه یو وطن - پالونکی د استعمار پر ضد سری و له دی هیواد مخه د «کافر» په نامه وایست . او په دی تو که زمونږ د اجتماعی چارو دینه کولو موضوع تر یوه وخته پوری له خنډونو سره مخامخ شوه . په دی غلو ښوونکو وروستنیو کلو کښی بیا تولیدی قوا و (تولیدی و ساینو او انسانی قوتونو) د عینی قوا نیو په اثر نوره وده وکړی او د تولیدی مناسبان او اجتماعی رو بناتیمیر دا ایجابوی چه د تولیدی قوا و دنوری و دی د پاره لاره پرانیستله شی . «پالی به خلکو د مر مخ کښی»

دولادیمیر ایلچ لنین

د ز پور پدنی - شپږ نوی یمه کالیزه

ولادیمیر ایلچ لنین دشوری اتحاد دستر او پیاوړی لارښوونکی اود قوای نړی د پرولتاریایی نهضت غښتلی ملگری ده ۱۸۷۰ کال - د اپریل په ۲۲ نیټه دروسیې (سیمبرسک) په ښار کښی زوکړی دی . لنین د ښوونځی دمفتش زوی و او خپل ډول ژوند د کارگرانو، بزگرانو او نورو زیار ایستونکو خلکو د هوسای او پښښی د پاره وقف کړی او دغه مقصد د پوره کولو د پاره می په خورا توده مینه، ژوره پوهنه، زړورتیا او سرښندنه د پرولتاریا د گوند د جوړولو د پاره په کلکه بریالی مبارزه وکړه . دغه گوند دده په مشری دشوری اتحاد د ډول خلک سره یو لاس او یو موقی کړل او په کال ۱۹۱۷ کښی می دسترسوسیالستی انقلاب د بریالیتوب په نتیجه کښی د بشر په لیکل شوی تاریخ کښی دلومړی محل د پاره دیوه سری استعمار د بل سری له خوا له مینځه یووړ . او پدی ډول می له استعمار مخه د ډول جهان د زیار ایستونکو خلکو د خلاصون «پاتی په دریم مخ کښی»

انتظارات دموکراتیک خلق از ولسی جرگه

د د چین شرايطی طبقا ت ممنا ز درقبال تسلط اقتصادی که زیربنای هستی اجتماعی بشمار می آید، عنان قدرت اداری و سیاسی جامعه را نیز بدست دارند و تمامیتوانند میگو شدند برای حفظ موقف غیرها دلان و منافع سرشار خویش و دستگاره حکومت را بنبفع تسلط مین سلطه و دوا ۲ اقتدار خود بر اکثریت محروم کشور، بگردش در آورند . شوری که «درد موکراسی ملی عالیترین مقام قانون گذاری و مظهر اراده خلقها» ست و لی در جوامع طبقا تی فیودالی از لحاظ ماهیت طبقاتی از منافع طبقات حاکم بر جامعه نمایندگی میکنند . افغانستان «تا کنون یک کشور

آنها ست . مقلتا اکثریت عظیم خلقهای مؤلد (بیش از ۹۵ درصد نفوس) یعنی کارگران، دهقانان منورین مترقی، پیشه وران و تاجران خودد و متوسط از هرگونه و سایل لازم زندگی مسحر و مسند . نان و لباس کافی ندارند و اکثر اوقات را باکو دکان خود نیمه گرسنه و نیمه برهنه بسر میبرند . فرزندان شان از نعمت تحصیل بی بهره اند و از کودکی (۷-۸ سالگی) برای اینکه از گرسنگی نمیرند در تلاش لب نانی بر میآیند و بخاطر اینکه برهنه نمائند بی کهنه لباسی از بازمانده های امریکایی به ایندرو آند و میشتابند و حتی گروههای درخورد و چپی ازین اکثریت محروم تاهنوز به آیین قرون اولیه پوستهای خام حیوانی برتن دارند و در معاهده های تیره و نمناک، در آغوش فقر و مرض بانتظار مرگ حسرتبار زندگی میکنند .

د جوامعیکه تو زبغ نعمات مادی مورد ضرورت و احتیاج زندگی مردم بطور عادلانه صورت نمیکیرد و حاصل دسترنج، عصاره دماغ، و کاراضافی اکثریت خلق مؤلد، ولی محروم و مصیبت زده بکام گروهی معدود فرو میرود و توسط اقلیتی ممتاز جذب می شود، وجود طبقا تی که مصالح مادی و بالنتیجه معنوی شان با هم تضاد کاملی دارد مسلم است . جوامع ما نیز نمونه بارزی از ینگونه جوامع طبقا تیست . در کشور ما فیصدی بسیار کوچکی از افراد جامعه ثروتهای سرشاری فراهم آورده اند و هرگونه منابع عایداتی و وسایل تولید ما نند : زمین، فابریکه ها، وسایل ترانسپورت، تجارت خارجی، عمارات باشکوه و غیره در انحصار

«س ۲»

مقدماتی بر جامعه شناسی علمی اصطلاحات و مقولات اجتماعی

(م. ظاهر بدخشی)

امر و زد یکسر با کشفیات مهم و پیشرفت های عظیم (سیانس) و اختراعات محیر العقول (تکنالوجی) اشخاصی با طبقه ای با (طبیعت شناسی) و (زیست شناسی) بصورت علمی مخالفت نمی کنند بانی می توانند. (علوم طبیعی) و انجینیری (بیالوژی) و طب بقسم نسبتاً (لیبرالی) در یونو رستنیها (۱) و دولتی تدریس و در آثار و مجلات علمی (۱) اشاعه می یابد. در اثر آن امروز اکثر مردم جهان متمدن بو جو (قوانین طبیعی) و قانونمندی (وجود انسان) معتقد شده طورهادی از برق، رادیو و موتور... بدون تعصب از بنسلین و کلسیم و هارمون... استفاده میکنند اما علم (جامعه شناسی) هنوز در پوهنتونها بصورت (دستوری) و (توصیفی) تدریس میشود و حقایق اجتماعی برای مردم به اشکال انحرافی آنچه باید باشد (آیدی لیستی) و غیر آنچه هست (غیر دیالستیک) نشر و اشاعه می یابد چرا؟ برای اینکه روشنفکران مغشوش و مردم تعمیق شوند؛ زیرا اگر آنها بقانونمندی جامعه معتقد شوند و بحقایق اجتماعی آشنا گردند با کشف و تعقیب قوانین اجتماع خویش در صدد حل تضادهای اجتماعی بر می آیند و نا درستی ها و نابرابری ها و ستمگریها را از میان بر میدارند و این (شعور) و (عمل) به ضرر مناقع طبقات ستمگر، طفیلی و استثمار کننده که سرسختانه (ایدیت) وضع ناهمگون موجود را خواهانند می باشد، شاید برخی اهل مطالعه (۱) بفرمایند که جامعه شناسان (لیبرالی) هم سراغ میشوند که به این صحنه های (تراژیک) طبقه های اشک میریزند و نوحه می نمایند. ماهم وجود مبارک (۱) بی خاصیت چنین محققان (۱) نامدار بوژوازی را تصدیق میکنیم. اما اضافه می نمایم که ایشان نیز فقط به (تشریح) سطحی جامعه و پدیده های اجتماعی با بد رقه چند نصیحت و طرچه های میان خالی اکتفا می کنند و گاهی به پس به طرف (علل) نمی گذارند و از ذکر (شرایط اقتصادی) طرفه میروند و هم قدمی بیشتر بسوی (نتیجه گیری) نمی گذارند از (تعمیم) می ترسند تا مبادا به (قوانین) و اصول مسلمی برسند که غیر معقول بودن و غیر حق بودن و وضع موجود را نشان دهد.

در حالیکه از دیدگاه علم واقعی امروز و توقع بشریت از دانش سخن بر سر (تغییر) جوامع است این طرح بحث (تغییر) اجتماع است که دانشمندان (۱) کاسه لیس و اجیر از تحقیق و تدریس آن صرف نظر میکنند و طبقات سوار بردوش مردم و بهره کشان از تعمیم آن می ترسند و سخت متوهم می شوند زیرا در جامعه دموکراتیک انسانی آقابان شکم گنده نیز باید با خلق و زحمت کشان راه بر روند و (کار) کنند، محافظه کاری و عنعنه پرستی از اینجا

نشأت میکنند و ارتجاع و ستم درین مواقع بدود (۱) می خورد اما چه باید کرد؟ (تاریخ) نوع بشر از تشکیلات اجتماعی - اقتصادی متوالی بوجود آمده و حرکت تغییر و تسکامل ناموس مطلق جهان و زندگی است و قتیکه انسان برای رفیع (احتیاجات) و بقای خویش تولید و (وسایل) تولید ایجاد کرد (اقتصاد انکشاف) میکند و به تعقیب آن (ترقی اجتماعی) هم میرسد و این خود بدون از بین رفتن نظام سابق و کهنه جامعه مجال است درین (نقی) کهن (اثبات) جوانی نهفته است. و آنرا (هستی) و زندگی می خواهد و لواشخصی با طبقاتی نخواهند. سرا پای تاریخ بشر حاکی از این تبدلات (کمی) و (کیفی) است و وظیفه جامعه شناسی علمی هم کشف (قوانین عینی) این جریان بیچیده «انکشاف اجتماعی» و رهنمایی انسانهای پیشرو به «تغییر بهتر» جامعه (بغاطر بهبود روانی و رفاه مادی بشریت و زندگی است.

جریده خلق: در سلسله آغاز مبارزات و مجاهدات همه جانبه خویش به موازات طرح (برایلم های اجتماعی) و بیان تضادهای اساسی و تذکر آرایش طبقاتی قبل از طرح مباحث اکادمیک جامعه شناسی علمی می خواهد اصطلاحات و مقولات اجتماعی را تعریف دقیق و تشریح مختصر نماید تا اولاً بین ادبیات این علم بسیار مهم و ضروری و ادبیات مغلوب و شاعرانه جامعه شناسی معموله مرز بندی کرده و لیترچر خاص خویش را تثبیت کند و آنسگاه بپردازد به بیان کلیات نظری (علم اجتماع) و جزئیات تطبیقی آن در جامعه افغانی که در حقیقت وظیفه اساسی و رسالت تاریخی فرزندان خلق آنست.

۱ - طبقات اجتماعی

جوامع بشری در ابتدا متجانس و همگون بوده و همه افراد اجتماع در مقابل وسایل تولید ساده جامعه موقعیت و ارتباط مساوی داشتند و اشکال تاریخی اشتراک افراد عبارت از (طایفه) و (قبیله) بود اما به تناسب تکامل مالکیت انفرادی وسایل تولید اجتماعی، عدم مساوات اقتصادی مردم زیاد شد، زور مندان طایفه و سران قبیله و سایر تولید را تصاحب کردند و عدول می و از آن محروم نمودند و طبقات متضاد صم ظهور کرد. در تعیین ارتباط همان یک جانب نبردهای تولیدی (انسان ها) و طرف دیگر آن (وسایل) است که مفهوم (طبقه) بوجود می آید - لذا با وجودیکه تقسیم جامعه به طبقات یک چیز گذراست در جوامع طبقاتی تاریخی (طبقه) واحد اساسی و ماهوی نسبتاً دایمی آنهاست و بهمین نسبت جامعه شناسی علمی مطالعه خود را از (طبقه) و (طبقات اجتماعی) آغاز میکند طوری که در فزیک اذاتم و در بیالوژی از

یه خلکو!

یه خلکو خلکو دوطن خلکو
زده کی می خوھی ستاسی دردونه
نن دباد ونو مستو شیو کسی؟
دلربیه و دانگ و جهان ته لیبوم
ای لوبه و لسه ته به عهان بو بی
هم آزادی بی هم افتخار بی
که هوک قوی دی خو تا قوی که
له تا جگک شوی له تا بل شوی
له لوبو دشتو له لوبو فرو نو
سره راقول شی سره قوت شی
یه و یو تیر بو د فرو و کیر و
یه درقر بان شم لو شو لغیر و
ما ته رار سی ستاسی قوی و نه
ستاسی له هیلو دک فر با د و نه
ته سترقوت بی، ته لوی ملت بی
هم کرامت بی هم شرافت بی
که هوک کمزوری د تا کمزوری
که چیری شور دی که چیری اوردی
له خورو کلمیو له در با بو نو
ای خورو خلکو، سترو قو مو نو
(سلیمان لایق)

انتظارات دموکراتیک خلق ..

« از صفحه اول »

دارای نظام اقتصادی - اجتماعی فیودالی می باشد» و شوری که یکی از قوای دولت بشمار میرود نیز مشمول این نظام است.

معمداً با توجه به وضع بین المللی (سلول) شروع میشود. از اینسکه جوامع کلاسیک امروزی دارای طبقات مختلف اجتماعی است کسی انکار کرده نمی تواند و لو بنام «گروه ها» یاد کنند یا آنها را در حال مزج شدن بدانند اما در تحلیل نهایی و نتیجه گیری به اثر جهان بینی غلط یا منافع طبقاتی برای توجیه طبقات اساس و منشأ غیر واقعی می تراشند در حالیکه علمای واقعی و محققانی که ساینترفیک فکرمی کنند اساس و منشأ طبقات را اقتصادی دانسته با به عینی آنرا در محیط تولید مادی جستجو می کنند و این تعریف جامع الاطراف را از طبقات اجتماعی می نمایند.

«طبقات: گروه های بزرگ انسانی هستند که از جهت مقام خود در نظام معین تولید اجتماعی، از جهت رابطه خود با وسایل تولید، از جهت رول خود در تشکیل اجتماعی کار و بنا برین از جهت طرق دریافت اندازة آن سهم از ثروت اجتماعی که آنها در اختیار می گیرند از یکدیگر متمایز می شوند»

درین تعریف از همه مهم همان (رابطه) با وسایل تولید است که بالای دیگر عناصر تاثیر دارد - دانشمندان بگری روشنی انداخته که: (گروهی از مردم که دارای شرایط مادی مشترک باشند تشکیل طبقه میدهند ولی مفهوم طبقه به فقر و غنا اطلاق نمیشود، شرایط مادی زندگی مربوط به پول در آوردن نیست بلکه به کار و حرفه اجتماعی مربوط است) یعنی چگونگی مقام در طرز معین اقتصاد جامعه مهم است که آنرا (استثمار) کننده است یا استثمار شونده) اگر هاید بولی یک استثمار کننده (یک خان ده) کمتر از یک استثمار شونده (دریور) هم باشد باز خان، خان است و دریور دریور و هر کد امربوطه طبقه جداگانه می باشند نه جویک طبقه. (باقی دارد)

و نفوذ و زافز و ن نهضت های دموکراتیک، مترقی و ملی در جهان و بیداری نسبی شعور سیاسی و اجتماعی مردم افغان نسبتاً نیک شده از نمایندگان و طنپرسنت و سر قیخواه جریان دموکراتیک خلق و دیگر عناصر ملی و دموکرات از حقوق سیاسی و مدنی مردم کشور دفاع و علیه زورگویی و استبداد رأی، خود سری و قانون شکنی که از سالیان متمادی با یشو گریبان مردم ما را گرفته است مبارزه مینمایند.

مثال با رز این حرکت مثبت در دو جلسه استیضاحی که بروژهای ۲۳ و ۳۰ حمل از حکومت بعمل آمد، بخوبی بملاحظه رسید.

اگر این روحیه در دفاع از حقوق مردم ستدیده کشور، تطبیق ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی و تحقق آرمانهای دموکراتیک خلق در ولسی جرگه بسط و انکشاف یابد، میتوان امید وار شد که نمایندگان ولسی جرگه وعده های فراوانی را که در مبارزات انتخابی با تبی به خلقهای مظلوم افغان نشان داده اند و تا هنوز خطوط درشت مرامهای آنان بفرس کسب آراء اعتماد خلق در خاطرهای مردم جادادد، فراموش نکرده اند.

آنسگاه بیجا نخواهد بود پیشنهاد کنیم که شورای افغانستان برای ازاله عقب ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی مردم و تضمین آزادیهای وسیع افراد به تدوین قوانینی بپردازد که متضمن اصلاحات دموکراتیک ارضی، انحصار تجارت خارجی، ایجاد صنایع ثقیله ملی و منع انداختن ثروتهای نادر و نامشروع از از گوشت و پوست خلقهای ناتوان مملکت باشد.

قوانینی را بوجود بیاورد که با تطبیق آن اصول دموکراسی در زندگی جامعه تعمیم یابد، به فرزندان توده های زحمت کش در سر تسا سر کشور مجال مزید تعلیم و تربیت میسر گردد و برای انتخاب شدن در تمام اورگانهای « در صفحه مقابل »

مسائل و راه‌های نیکه آرمان‌های خلق‌های ستمدیده افغانستان...

از س اول

مظهر درخشان آن بشمار میرود .
 پیشروان و مبارزان دموکراتیک خلق
 بعد از انفاذ فرمان تقنینی مطبوعات
 تصمیم بر آن گرفتند تا بمنظور بیداری
 شعور اجتماعی و نجات خلق‌های مظلوم
 افغانستان از زیرستم طبقات و محافل حاکمه
 و همبستگی محافل مترقی از حیث تشکیلاتی
 و ایدیا لوزی از طریق تاسیس جریده
 سیاسی برای سراسر افغانستان آغاز به
 فعالیت کنند و « نخستین گام علمی در راه
 ایجاد سازمان » بر دارند .
 دانش‌نویان نجات خلق‌ها و پیش‌بینی‌های
 خلاق ، معرف این جریده حقیقت است
 که بدون یک جریده و زبن سیاسی نمیتوان
 بصورت همه جانبه و اصولی دست به ترویج
 (پروباگند) و تبلیغ (اذیتا سیون) در
 بین خلق‌ها زد .

جریده خلق است تا از طرفی در راه
 تکامل « قانونی » سازمان سیاسی
 دموکراتیک خلق نقش موثری داشته باشد
 و از طرف دیگر اقدام اساسی علمی در
 زمینه بیداری شعور طبقاتی و آگاه‌گی
 خلق‌ها بخصوص تشکیلاتی پیشرو جامعه یعنی
 کارگران با اتحاد دهقانان برای مبارزه
 و جنبش دموکراتیک بعمل آورد .
 به استناد ماده (۳۲) قانون اساسی
 افغانستان ، علناً اظهار میسر کرد
 که هر عمل اجتماعی بسا زمان احتیاج
 مبرم دارد .

وظایف زیرین را در سراسر کشور انجام
 میدهد :
 - تشریح ، تعمیم ، تبلیغ ، ترویج
 مراسم دموکراتیک خلق که در شماره اول
 و دوم جریده خلق وسیعاً انتشار یافت .
 - نشر و تبلیغ تیوری و جهان بینی
 علمی که سلاح نجات خلق‌های زحمتکش
 و معرف مبارزه طبقاتی بشمار مهر و د
 و « سیستم یکپارچه و موزونی از مجموعه
 نظریات فلسفی ، اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی
 را تشکیل میدهد » .

سازمان بر قدرت‌ترین و مؤثرترین
 و اساسی‌ترین سلاح عمل اجتماعی و منجمله
 مبارزه اجتماعی میباشد .
 سازمانیکه بمبارزه سیاسی ، اقتصادی
 و ایدیا لوزیک و نجات خلق‌ها از بسوغ
 ستمگری و استثمار پیردازد و بتواند
 حکومت کهنه را به حکومت نوع جدید
 و خدمتگزار خلق‌های زحمتکش (مراسم
 دموکراتیک خلق - امور سیاسی) تعویض
 بنماید حزب نام‌دارده احزاب از لحاظ
 ماهیت سیاسی خود محتوی طبقاتی را
 حائز است . مترقی‌ترین ، پیشروترین
 حزب در شرایط موجود حزب طبقه خلق‌های
 زحمتکش بخصوص کارگران و دهقانان
 و منورین مترقی کشور خواهد بود که به
 جهان بینی علمی مجهز باشد .

- انعکاس « نجات‌ی بیکران خلق‌های
 ستمدیده افغانستان » و افشای زورگویان
 و ستمگران طبقات حاکمه و نمایندگان
 مدافع آنها که بالای خلق‌های کشور
 چهره و ستم می‌نمایند .
 - نشرات بمقصد بیداری شعور طبقاتی
 سیاسی و اجتماعی خلق‌ها .

در چنین شرایطی رشد حاصل ذهنی
 پیروزی جنبش دموکراتیک ملی بر اساس
 تحقق مراسم دموکراتیک خلق افغانستان
 امر ضروری و رسالت تاریخیست .
 مسلماً این وظیفه در گام اول بمهده

جریده خلق از همه اولتر و عمده‌تر
 و وظیفه اساسی خود میداند که منجبت یک
 رشته اساسی و اتصال ، با حسن نیت و طبق
 اصول علمی و احترام از خرده کاری
 « تمام نیروهای ترقیخواه دموکراتیک
 تمام وطن پرستان و فرزندان صدیق وطن
 و باشهامت‌ترین مدافعان منافع خلق‌های
 ستمکش و محروم » را در یک جریان
 و یک سازمان سیاسی و اجتماعی دموکراتیک
 خلق متشکل سازد و وسیله وحدت سازمان

از حیث ایدیا لوزی باشد و از حیث تشکیلاتی
 عموم محافل و سازمان‌های همفکر را قانوناً
 در یک سازمان بر اساس اتحاد عمل و مراسم
 دموکراتیک خلق متحد گرداند و جهان
 بینی علمی را در عرصه مبارزات سیاسی وطن
 محبوب ما افغانستان مورد عمل قرار دهد .

« از س ۲ »
انتظارات دموکراتیک...
 سیاسی و اجتماعی بدون تبعیضات و امتیازات
 نژادی ، لسانی ، ایالتی و غیره موقع
 پیدا شود و اعمال حکومت تحت نظارت
 دقیق قرار بگیرند و به خود سری
 و استبداد در آید مجال داده نشود .
 شکی نیست که انجام این امر در
 شرایط کنونی مشکل و سنگین است
 ولی ضروری و حیاتی نیز می‌باشد ایقاعی
 این وظایف راه را برای پیشرفت
 و انکشاف نیروهای تولیدی و بهبود وضع
 زندگی اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی
 اکثریت انبوه خلق‌های عظیم افغانستان
 و تعمیم دموکراسی سیاسی هموارتر
 خواهد ساخت . در غیر آن مردم ستمزده
 این سرزمین یکبار دیگر عملاً خواهند
 آموخت که وکلای که واقماً از طبقات
 خودشان نباشند ، و یا از منافع طبقاتی
 شان نمایندگی نکنند محال است شورایی
 را تشکیل بدهند که مظهر اراده ایشان باشد
 و این در ماهیت خود درس علمی مهمیست
 که مردم افغانستان فرا خواهند گرفت .
 (بارق شفیعی)

برای تحقق این مراسم نمایندگان
 و خیر نگاران و توزیع کنندگان جریده
 خلق وظایف سنگینی را از لحاظ مراکز
 جذب و قدرت سازمانی بمهده خواهند داشت
 زیرا مبتنی بر اصلی ، جریده خلق نه تنها باید
 تبلیغ کننده دسته جمعی و بیدار کننده
 دسته جمعی توده های مردم باشد بلکه
 همچنین تشکیل دهنده دسته جمعی باشاهنگ
 خلق‌های زحمتکش یعنی دموکراتیک خلق
 نیز باشد .

اجمالاً این بود بسا سخ منطقی
 و علمی که چرا جریده دموکراتیک
 خلق برای سراسر افغانستان تا سیم
 گردید و از وسایل موجود استفا ده
 اصولی بعمل آورده میشود .
**« عمل ملاح حقیقت است و تیوری
 راهنمای عمل »**
 « موضوع دوم در شماره آینده »

(د لومری منخ باتی)

دولاد یمیر ..

پرلار رو پن مشعل بل کپ ده په کملک
 استعمار و غانده او به نری کتبی می دولی
 مستعمره هیواد و د سمدستی آزادی اعلام
 و کپ .
 ولاد یمیرا یلیچ لنین له افغانستان
 سره دشوری اتحاد د دوستانه او په زده
 پوری پیرو و روابطو د تاسیس و لواوقینسگولو
 بسانی دی . دافسانستان د خپلواکی
 په ا خستلو کتبی می همی سیاسی او
 معنوی مرستی کپری او شوروی اتحاد
 لومړنی مملکت وچه دافغانستان
 خپلواکی می به رسمیت وپیژندله .
 ورپسی په کال ۱۹۲۱ کتبی مشهوره
 معاهده چه د دواوو مملکتو ترمنع
 بنه دوستانه روابطو قینسگولی لاس لیک
 شوه اوله هغه د ایسی د متقابل دوستی
 بر اساس (۲۸) معاهدې ، پروتوکولونه
 او کتبی اعلامی د دواوو مملکو ترمنع
 لاس لیک شوی دی .

مونږ د ولاد یمیرا یلیچ لنین د شپږ
 نوی می کاپیزی دنمانه می په موقع
 د دې یادونه هم کوو چه زموږ ستر
 دوست گاونډی مملکت شوروی اتحاد
 چه د لنین به مشری تاسیس شوی دی
 په تیرو ۴۸ کلو کتبی مونږ ته ډیری
 ستړی می غرضه اقتصادی ، سیاسی او
 کلتوری مرستی را کپری دی چه هغو
 دافغانستان د خلکو په ژوند کتبی
 خورا چه او په زده پوری اهمیت
 کپری ده .

شهر از بکی

از شرعی جوزجانی

پینگی یل

زمانه نی قولی بیرایسکی بیت نسی
 او دردی
 بیراو ز کابیت آچمی ،
 حیات د فتریدین .
 * * *
 - اول ایسکی بیت که یاز بلکان
 نه لر ؟
 - مجا هده لر .
 خلا بق ا بچره تیریکلیک او چون
 مبارزه لر .
 امید سا بیده قالکن اچمیخ تا نر لر .
 قرانفو کیچه ، قرانها ملر ، قرانقشی .
 بو کیچه لرده یار ووق تا لنگر
 انتظار لر ی .
 بو لر یاز بلکاند ورا
 - بو پینگی بیت که . . .
 - یاز بلکای ؟
 او لوغ مزیمت لر .
 بو یوک اراده لر وایل ارامود تلر .
 ا بناغه لیک غز لی تینچلیک ترا نه
 لر ی

بسوی دانشیکه در خشنده گی آن عیانست
 بسوی فنای رنج و غمها
 بسوی فراموشیهای آسایش بخش
 بسوی فراوانی و برکت
 بسوی آسایش ، بسوی لبخند
 بسوی مردم خوشبخت ، کشتی پرافتخار ما شنا می کند .
 (از : لور آ)

تجاوز و خونریزی در ویتنام

قطع گردد

تجاوزات خونین استعمارگران خارجی به کمک عناصر مرتجع و فئودالهای داخلی که مسلماً دست نشاندهان نیروهای استعماری میباشند، بر خلق دلیر و زحمتکش ویتنام بدون هیچگونه دلیل و منطق حقوقی و قانونی ادامه دارد .

هر چند فرزندان با شهامت و فداکار خلق ویتنام از بیست و پنج سال با نظر ف مانند نیروهای مترقی و دموکراتیک سایر کشورهای نو با استقلال رسیده آسیا و آفریقا مبارزات عادلانه و خستگی ناپذیر خود را علیه استعمار خارجی و ارتجاع داخلی پیروز مندانه و بلا انحراف به پیش میبرند باز هم بروشنی معلوم نیست که مردمان شجیع آن گوشه آسیا تا چه وقت مورد ضربات سنگین هوایی و زمینی قوای خارجی و ارتجاع داخلی قرار خواهند داشت و بفاک و خون خواهند غلتید .

ولی آنچه که اجتناب ناپذیر بنظر میرسد اینست که مبارزات پیگیر دلیرانه و ضد استعماری خلق ویتنام ، در راه حصول استقلال ملی شان سرانجام به پیروزی خواهند رسید .

چرا؟ بعلت آنکه این جنگ ظالمانه بصورت یک جانبه بر خلق ویتنام تحمیل شده است . و چپه ملی و آزادی بخش ویتنام کاملاً حق بجانب می باشد . آنچه که حق بجانب بودن مبارزات نجات بخش خلق ویتنام را تایید میکند همانا همدردی ها بیست که کلیه خلقهای دموکراسی پسند ، نوعدوست و صلحجوی جهان قولاً و عملاً نسبت بآنان ابراز میدارند و با خشم و نفرت فراوانی بحمايه از مبارزات آزادی بخش خلق ویتنام برخاسته اند .

باید گفت که هر تجاوز و زامپریالستی بر ممالک جهان من جمله بر خلق ویتنام با این همل صورت میگیرد که زحمتکشان کشور های کم رشد استثمار گردند و از منابع تولیدی آنان بهره برداری شود ، و باین طریق تمامیل شدید منفعت پرستی استعمارگران تسکین یا بد .

بطور کلی خصوصیت اقتصادی و سیاسی هر نظام استعماری و استثمارگری در هر گوشه جهان اینست تا بهره و سیله ای که ممکن باشد و بتوانند اعم از دسیسه و نیرنگ ، دهشت افکنی و ویرانکاری و سلب حقوق ملتها و افراد بول بدست آورند ، و تسلط اقتصادی و سیاسی خود را ادامه دهند .

زیرا استثمارگران بخوبی میدانند که حرص و آز آنان صرف از طریق استثمار (قوه کار) انسانی و منابع تولیدی دیگران ارضا شده میتواند بیاد باید آورد هر گاه استعدادهای خلاقه و نیروهای عظیم انسانی که مولد هرگونه وسایل مادی و معنوی زندگی انی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی بشر است

براه مطلوب و انسانی بکار بیفتد و وسیله عشرت پرستی و خوسگدانی گردد و معدودی از نروتمندان بزرگ گیتی نه شود و صرف برای رفع نیاز مندبهای صاحبان (قوه کار) بکار رود . باینکامل میتوان گفت که دیگر توده های عظیم بشری هرگز فاقد حداقل وسایل زندگی مادی و فرهنگی نخواهند بود ، و با فقر و مرض و جهالت به شیوه امروزی دست و گریبان نخواهند شد .

و همچنین اسباب کشمکشهای سیاسی رویداد های خونین تا ریخ و عوامل اختلاف ذات البینی ملل و افراد ب میزان قابل ملاحظه ای کاهش خواهد یافت و امسکانات واقعی تأمین صلح ، دموکراسی و استقلال ملی و ترقی اجتماعی برای کشورهای نو با استقلال رسیده ، بصورت اساسی میسر خواهد شد .

ما بخاطر دفاع از صلح جهانی ، بآرزوی جلو گیری از توسعه جنگ و با امید باین یافتن جنگ و خون ریزی در ویتنام نکات آتی را تا باید و حما به میکنیم :

۱- عملیات زمینی و هوایی علیه خلق ویتنام بلا شرط و کاملاً متوقف گردد .

۲- تمام قوای خارجی از ویتنام بیرون شوند .

۳- بایکا ههای نظامی قوای خارجی بکلی از سرزمین ویتنام جنوبی برداشته شود .

۴- معاهده ۱۹۵۴ زین صادقانه تحقق یابد .

تا بدین صورت خلق ویتنام جنوبی بدون مداخله خارجی امور خود را خود حل و فصل کنند و بحق تعیین سرنوشت خود برسند .

ما در حسابا لیکه پیشنهاد افغانستان را در مورد ایجاد « کمیته صلح ویتنام » و شرکت چپه آزادی بخش ملی و یتکا ننگ را در هرگونه مذاکرات دموکراتیک تایید میکنیم و چنین پیشنهادی وادار صلح ویتنام ثمر بخش و مفید میدانیم ، مطالبه ما اینست تا افغانستان به پیروی از سیاست بیطرفی مثبت و قضاوت آزاد خود درین راه قدمهای ابتکاری و بگری را نیز بخاطر رهایی خلق ویتنام بردارد و نقش فعال خود را بصفت کشور واقعاً آزادی و بیطرف بصورت موثر تری بسازی کند . (ملو)

یوبله از موینه

(دلومری مخ پاتی)

د بین المللی او ملی بود او سمو شرایط و وجه او ددی دباره چه دحا کمو طبقه او ترستم لاندی طبقه ترمنخ تضاد تر یوه حده بوری لپ شی نو د ۱۳۴۳ کال به میزان کبشی د هیواد د خلکو د ارادی او د معظم اعلی حضرت د سم و رک او تشخیص به وجه نوی اساسی قانون منخ ته راغی چه له دی نه داسی امکانات پیدا شول چه گوا کی اوس د رو غی له لاری کیدی شی چه دمجر و موا و محبل شو و طبقه د حق دباره هم مبارزه و شی .

دغه د ول مبارزه تر هر شه لو مری د امپر یا لستانو له گتو او د فو دالانو او نورو ارتجاعی قشرونو له اقتصادی او اجتماعی امتیازاتو سره تصادم کوی چه دغه د ملی بپهنگو سره مخالف منابع لکه دپخوا به شان هر د ول د سیاسی جود وی او د تهم و خه چک راز ، راز چا پونود وطن با لونکو بر قنهدو لگوی .

به دی وخت کبشی بیما دافغانستان خلک له یو ملی ستی تاریخی از موینی سره مضامخ دی او دا ددوی به سیاسی او اجتماعی شعور بوری امد لری چه د امپر یا لستانو او دوی د اجیری ارتجاع تو طو او ناروا تهم تو ته خونه قیمت و رکوی ؟ او هغه غر ننگه دوطنخواهی او حقیقت غو بتلو به تهره توره بی اثره کوی ؟

دا به تهره دهغو و طن بالونکو او منور بنو چه سیاسی او اجتماعی شعور بی وده کپی و پی ، ستره و وظیفه ده چه د نوی استعمار او ددوی داجیرانو د تبلیغاتو بر ضد به کلک ملامت و تری او بری نودی چه ددی خاوری برهغو صادقو زامنو او لو فو با ندی ناو ده تورو نه او تهم تونه و لگوی چه هغوی د حقیقی رو غی ، آزادی او دموکراسی د باره به رو غه سره مبارزه کوی او د خیل گران هیواد دور و سته پاتی والی حقیقی او بنیادی علمتونه و وطن بالونکو خلکو ته بپی .

داهم دافغانستان دقو لو با شعور و خلکو له لو یو او سترو و وظیفه خه شهر له کبشی چه بری تین دی مند هب دگران افغانستان د دینمانو له خواد سیاسی ناو ده اغراض و وسیله شی او به دی تو گه یو محل بیما دپخوا به شان دافغانستان د خلکو منافع او نیکمرغی د خود پرستو ، غاصبانو ظالمانو ، مفت خورو او حر یصانو

گرمن تیتوف

به کابل کبشی

د شوروی اتحاد نو میا لسی کبشپان نور د ، گرمن تیتوف دافغانستان د بوهنی دوزارت به بلنه د حمل د میا شتی به ۳۱ نهغه کابل ته را ورسید .

گرمن تیتوف دافغانستان د دوست او گاونهی هیواد دوهم کبشپان نور د ، دافغانستان او شوروی اتحاد د دوستی دقو لنی غری او ۳۱ کلن قهرمان دی .

د شوروی اتحاد دسترسوسیا لستی انقلاب نه وروسته علم او تخنیک بیساری برمختگونه او بریا لیتو بونه دهغه هیواد او د نری خلکو ته واندی کپی او به داو طلبیا نه د ول بی د علم دروازی دخوانو عناصر و مخی ته پرانیستی دی او نین بی خوانو نسلونو ته له هر وخت نه زیات دا امکان ورکپی دی چه د علم نور قوا نین کشف او طبیعت تسخیر کپی .

داوسنی عصر مترقی او برمخ- تلونکی علم د خیل تکاملی سیر به موده کبشی دهر زیات و کپی قهرمانان او بیشا هنگان پهونی چه د زیاتو مانعوا و خنهدو نوسره بی و کپی شول چه زامه مات اونوی ایجاد کپی .

مونی دغه دوستا نه مسافرت دافغانستان او شوروی اتحاد ترمنخ به روغه سره دگه ژوند ، لویه نیشه گنو او یقین لرو چه د کلتوری او هنری هیاتونو تک رانگ او دا اقتصادی او تجاری روابطو پراختیا ، به دافغانستان او شوروی اتحاد نه شلیدونکی دوستی او متقابلی گتقی نوری هم بسی قینگی او کلسکی کپی .

تر منافعو جاری او د مملکت داقتصادی سیاسی او اجتماعی و دی مخه بیا و قیو له شی حکومت هم باید عملاً دانا بته کپی چه ددغسی او نورو ارتجاعی حرکاتو مخ نیوی کوی او نه برین دی چه دلته د خلکو ددمو کراسی او ترقی غو بتلو روحیه بیا به د ول- دول پلمو او تورو نو لگولو خفه شی .

خلق

فعلاً هفته یکبار نشر می شود

صاحب امتیاز: نورمحمد (تره کی)

مدیر مسؤول: م.حسین (بارق شفیعی)

آدرس: حصه اول میوند وات

(مقابل سینمای پامیر)

اشتراک

مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغانی
 ولایات: سالانه ۱۱۰ - افغانی
 خارج کشور: سالانه ۱۰ - دالر
 قیمت یک شماره ۲ - افغانی
 نمبر حساب درپشتی تجارتنی با نک (۱۴۱۴)

دولتی مطبعه